

حمایت از تولید داخلی در کنار واردات امنیت غذایی جامعه را تأمین کرده است

اشاره:

با توجه به اهمیتی که تغذیه سالم و صحیح در رشد جسمی و فکری افراد دارد، از این رو بررسی وضعیت موجود تغذیه و سلامت انسان‌ها، شناخت مشکلات در این بخش و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات تغذیه‌ای آحاد جامعه، ضرورتی غیرقابل انکار است. با وجود آنکه دولت در قالب پرداخت یارانه کالاهای اساسی در سال‌های اخیر همواره تلاش داشته است که حداقل مواد مورد نیاز افراد جامعه را تأمین و ارایه کند، اما عوامل مختلفی سبب شده است که آثار سوء تغذیه در برخی موارد قابل مشاهده باشد. از این رو شناخت دقیق این مشکل و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای حل آن، ضروری است. در این مقاله به بررسی موقعیت کنونی تغذیه در ایران و الگوی مصرف می‌پردازیم، تا بتوان تنگناهای موجود را به درستی شناسایی کرد و برنامه‌ریزی‌های آتی را برای رفع این تنگناها پایه‌ریزی نمود.

در بررسی الگوی مصرف در کشور، توجه به نکاتی در زمینه تولید و مصرف مواد غذایی اساسی از جمله پروتئین (گوشت مرغ، گوشت قرمز، تخم مرغ)، گندم، برنج، چربی‌ها، میوه و سبزی‌ها، سطح درآمد خانوارها و برخورداری آنها از مواد غذایی اساسی و نیز فقدان توازن در برخورداری از الگوی صحیح مصرف مواد غذایی، حایز اهمیت است.

بررسی میزان تولید و مصرف مواد غذایی کمک می‌کند که فاصله موجود با رفتارهای صحیح مصرف مواد غذایی شناسایی و کمبودها شناخته شود. بررسی‌های انجام شده از سوی کارشناسان نشان می‌دهد که الگوی تولید و مصرف کالاهای غذایی اساسی (محصولاتی که در طرح توزیع کالابریگی کالاهای اساسی با یارانه توزیع می‌شود) در سال‌های اخیر با پیشرفت‌های در خور توجهی مواجه بوده، لیکن میزان برخورداری دهک‌های مختلف درآمدی در جوامع شهری و روستایی کشور از این نوع کالاها، تفاوت اساسی دارند که می‌بایست با پیگیری و برنامه‌ریزی اصولی، فرهنگ‌سازی، ارتقای درآمد خانوارها و توزیع عادلانه‌تر درآمدها و... اصلاح گردد.

تولید و مصرف گوشت مرغ در ایران بررسی‌های آماری کارشناسان نشان می‌دهد که تولید گوشت مرغ در ایران از ۱۲۶ هزار تن در سال ۱۳۵۴ با ۴۶۵ درصد رشد به ۷۱۲ هزار تن در سال ۱۳۷۶ افزایش یافت. طی همین دوره زمانی تولید سرانه از ۳/۸۹ به ۱۱/۴ کیلوگرم رسید که نشانگر افزایشی به میزان ۱۹۳ درصد می‌باشد. رشد تولید سرانه به لحاظ افزایش سریع جمعیت در اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰، کمتر از رشد کل تولید بوده است. در نهایت متوسط رشد تولید سالانه گوشت مرغ در ایران در دوره زمانی ۱۳۵۴-۷۶ به ۸/۲ درصد بالغ شد.

از آنجا که تأمین امنیت غذایی پایدار فقط به تولید داخلی متکی نمی‌باشد و بهره‌گیری از واردات برای تأمین کمبود عرضه محصولات غذایی ضروری است، واردات گوشت مرغ نیز در این دوره صورت گرفت، اما با افت و خیزهایی

روبه‌رو بود که عواملی نظیر سطح تولید داخلی و درآمدهای ارزی کشور در آن مؤثر بوده است. واردات گوشت مرغ در سال ۱۳۶۰ به بالاترین سطح طی سال‌های ۷۶-۱۳۵۴ رسید و به ۶۵ هزار تن بالغ شد. در سال ۱۳۶۴ بر اثر کمبود منابع ارزی واردات آن به یک‌هزار تن رسید. در سال‌های ۷۰-۱۳۶۵ نیز واردات آن در حد صفر بود، اما در سال ۱۳۷۱ بار دیگر واردات مرغ آغاز شد و به ۲۸ هزار تن رسید. از سال ۱۳۷۳ به بعد واردات مرغ با نوسان روبه‌رو شد و توأم با مجوزهای محدود صادراتی نیز بوده است.

در سال ۱۳۷۴ میزان واردات مرغ به ۶۰۰ هزار تن و صادرات آن به ۱۱۰۰ تن رسید. صادرات مرغ در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ به ترتیب ۳۷۰۰ و ۵۵۰۰ تن و واردات آن ۹ و ۱۵ هزار تن بود.

مصرف سرانه گوشت مرغ در دوره ۷۶-۱۳۵۴ از ۴/۴ به ۱۱/۵ کیلوگرم افزایش یافت. مصرف سرانه روزانه از ۱۲ گرم در سال ۱۳۵۴ (معادل ۲/۲ گرم پروتئین) به ۳۱/۷ گرم (معادل ۵/۸ گرم پروتئین) در سال ۱۳۷۶ افزایش یافت.

شاخص خودکفایی تولید مرغ که نسبت تولیدی به مصرف سالانه است از ۷۹ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۱۰۰ درصد در سال‌های ۷۰-۱۳۶۵ رسید و در سال‌های ۷۳-۱۳۷۱ به ترتیب ۹۵، ۹۲ و ۹۹/۸ درصد، در سال ۱۳۷۴ معادل ۱۰۰ درصد و در سال‌های ۷۵ و ۷۶ به ترتیب ۹۹ و ۹۸/۵ درصد بود.

صنعت مرغداری در سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ به طور متوسط ۵۸ درصد به

واردات دان مرغ وابسته بود و فقط ۲۰ درصد نیاز به سه قلم عمده دان مرغ در داخل و ۲۲ درصد از دیگر اقلام (حبوبات، گندم، سبوس گندم، پودر گوشت و ...) تأمین گردید. طی این دوره ۴۰ درصد تولید رسمی صنعت مرغداری با اتکاء به منابع داخلی، تولید شد و لذا شاخص خودکفایی گوشت مرغ در واقع از ارقام یاد شده، کمتر بوده است.

تولید و مصرف تخم‌مرغ

بررسی کارشناسان مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نشان می‌دهد که متوسط نرخ رشد تولید تخم‌مرغ در سال‌های ۷۶-۱۳۵۴ به ۴/۸ درصد رسید و تولید آن از ۱۷۶ هزار تن در سال ۱۳۵۴ به ۵۰۰ هزار تن در سال ۱۳۷۶ بالغ شد. متوسط سرانه رشد تولید در این دوره به ۱۸ درصد در سال رسید و از ۵/۴۳ به ۸ کیلوگرم افزایش یافت. بالاترین میزان سرانه تولید تخم‌مرغ در سال ۱۳۷۳ به میزان ۸/۵۹۱ کیلوگرم و کمترین آن در سال ۱۳۵۸ به میزان ۴/۲۲۰ کیلوگرم ثبت شده است.

واردات تخم‌مرغ در سال ۱۳۶۴ به لحاظ محدودیت منابع ارزی کشور، با تنگنا روبه‌رو شد. میزان واردات در این دوره در سال ۱۳۶۲ به بالاترین حد (۴۰۵۸۳ تن) و در سال ۱۳۶۸ به کمترین سطح (یک تن) بالغ شد. از سال ۱۳۷۳ به بعد واردات تخم‌مرغ کاملاً متوقف شد و اعطای مجوزهای صادرات آن نیز از سال ۱۳۷۲ به صورت محدود و موردی آغاز شد. افزایش تولید داخلی تخم‌مرغ سبب گردید که در سال ۱۳۷۲، به میزان

۲۵۰۰ تن، در سال ۱۳۷۳ معادل ۴ هزار تن و در سال ۱۳۷۴ به میزان ۱۷۰۰ تن تخم‌مرغ صادر شود. صادرات تخم‌مرغ در سال ۱۳۷۵ متوقف شد، اما دو سال بعد مجوز صدور ۶۵۸ تن تخم‌مرغ، صادر گردید.

مصرف سرانه تخم‌مرغ در سال‌های ۷۶-۱۳۵۴ از ۵/۷۴ کیلوگرم به ۸ کیلوگرم افزایش یافت که نشانگر متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۴/۶ درصد بود.

کمترین میزان مصرف سرانه تخم‌مرغ در این دوره زمانی در سال ۱۳۵۸ به میزان ۴/۴۷ کیلوگرم و بیشترین میزان آن در سال ۱۳۷۶ معادل ۸/۳۵ کیلوگرم ثبت شد.

کمترین میزان مصرف سرانه روزانه تخم‌مرغ در سال ۱۳۵۸ به میزان ۱/۵۵ گرم و بیشترین آن در سال ۱۳۷۳ به میزان ۳/۸۰ گرم ثبت شد.

بر اساس این بررسی، پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و برنامه تعدیل اقتصادی از وقایع مهم اثرگذار بر تولید، واردات و مصرف تخم‌مرغ در این دوره زمانی بوده است.

مقایسه سرانه تولید مرغ و تخم‌مرغ در ایران با کشورهای صنعتی در سال ۱۳۷۶ شمسی یا ۱۹۹۵ میلادی نشان می‌دهد که سرانه تولید مرغ در ایران ۱۱/۵ کیلوگرم (در سال ۱۳۷۶) و در کشورهای صنعتی ۲۸/۸ کیلوگرم (در سال ۱۹۹۵) و سرانه تولید تخم‌مرغ در ایران ۸ کیلوگرم و در کشورهای صنعتی ۱۵/۸ کیلوگرم بوده است. و به این ترتیب سرانه تولید این اقلام در ایران کمتر از نصف سرانه تولید در کشورهای صنعتی

است و اختلاف فاحشی را نشان می‌دهد. یادآوری می‌شود سرانه تولید مرغ در کشورهای در حال توسعه ۶/۵ کیلوگرم و تخم‌مرغ در همین زمان ۶ کیلوگرم بوده است. لذا موقعیت ایران در قیاس با کشورهای در حال توسعه بهتر است.

به عقیده کارشناسان، صنعت مرغداری کشور به لحاظ استقبال مردم از مصرف مرغ و تخم‌مرغ، هنوز جای گسترش دارد، به ویژه آنکه در سال‌های اخیر به لحاظ موقعیت مزارع و خشکالی ادواری، تولید گوشت مرغ نیز با موانعی روبه‌رو شده است. و با این حال وابستگی شدید این صنعت به واردات دان، واکسن و دارو از این معضلاتی که می‌بایست به آن توجه داشت. با توجه به اشتغال ۶۰۰ هزار نفر به طور مستقیم در صنعت مرغداری، می‌توان با کاهش دوره جوجه‌ریزی از ۵۵ تا ۶۲ روز با متوسط جوجه‌ریزی ۳/۵ تا ۴ بار در سال که اکنون بر صنعت مرغداری حکمفرما است، تحولی جدی در این صنعت به وجود آورد. دوره جوجه‌ریزی را می‌توان به ۴۲ روز کاهش و متوسط جوجه‌ریزی را به ۵ بار در سال افزایش داد و به این ترتیب تولید گوشت مرغ ۲۵ درصد نسبت به حال افزایش خواهد یافت و مجموع تولید در وضعیت کنونی این صنعت به یک میلیون تن در سال خواهد رسید.

سیاست‌های حمایتی از تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ

از آنجا که دولت همواره قصد داشته است که از صنعت مرغداری برای

افزایش تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ حمایت کند، در سال‌های اخیر سیاست‌هایی را دنبال کرده است که تا حدودی موفقیت در افزایش تولید را به همراه داشته است. با این حال در سال‌هایی که آزادسازی صنعت مرغداری دنبال شده، رشد سرمایه‌گذاری و عملکرد این صنعت مشهود بوده است.

از آنجا که تأمین دان مرغ مهمترین وابستگی صنعت مرغداری به خارج از کشور می‌باشد، واردات دان مرغ از سال ۱۳۷۱ با ارز ۷۰ ریالی و در سال ۱۳۷۲ با ارز ۴۰۰ ریالی و در سال‌های ۷۷-۱۳۷۳ با ارز ۱۷۵۰ ریالی صورت گرفت. هزینه واردات دان مرغ در سال ۱۳۷۵ به ۵۹۳ میلیون دلار، در سال ۱۳۷۶ به ۴۳۷ میلیون دلار و در سال ۱۳۷۷ به حدود ۶۰۰ میلیون دلار بالغ شد. واردات دان در سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ تقریباً ۵۸ درصد نیاز صنعت مرغداری کشور را تأمین کرد.

ارزبری تأمین دارو و واکسن مرغ در سال ۱۳۷۶ به ۵۰ میلیون دلار بالغ شد، اما در سال ۱۳۷۶ به لحاظ تولید آنها در مؤسسه سرم‌سازی رازی، هزینه ارزی واردات این اقلام به ۸ میلیون دلار کاهش یافت.

نظام بانکی کشور در سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ در مجموع ۲۸۰ میلیارد ریال اعتبار در اختیار صنعت مرغداری کشور گذاشت که ۹۴ میلیارد ریال آن صرف احداث واحدهای جدید و تکمیل واحدهای موجود و ۱۸۶ میلیارد ریال صرف تأمین تسخواه‌گردان مورد نیاز واحدهای مرغداری شد.

حمایت‌های دولت تنها در راستای تأمین ارز ارزان قیمت برای واردات دان و اعطای اعتبارات بانکی صورت نگرفت، بلکه سیاست‌های حمایتی در بعد قیمت مرغ و تخم‌مرغ نیز دنبال شد. توزیع مرغ و تخم‌مرغ در سراسر کشور تا سال ۱۳۷۰ با کالابریگ صورت می‌گرفت. تقریباً هر سال ۶ کالابریگ ۷۰۰ گرمی گوشت مرغ و همین تعداد برای تخم‌مرغ تخصیص می‌یافت که با قیمت مصوب به مصرف‌کنندگان عرضه می‌شد. تا قبل از سال ۱۳۷۰ هر کیلوگرم مرغ به نصف قیمت تمام شده یعنی به بهای ۲۴۵ ریال در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گرفت، در حالی که در این زمان قیمت تمام شده هر کیلوگرم مرغ ۵۶۳ ریال و تخم‌مرغ ۲۷۰ ریال بود.

سرانه مصرف گوشت مرغ برای هر فرد شهری از ۶/۱ کیلوگرم در سال ۱۳۷۱ به ۹/۸ کیلوگرم در سال ۱۳۷۵ و برای هر فرد روستایی از ۱/۹ به ۳/۷ کیلوگرم در همین مدت افزایش یافت. به عبارت دیگر مصرف شهری و روستایی پس از آزادسازی فروش مرغ و تخم‌مرغ به ترتیب ۶۰ و ۹۵ درصد افزایش یافت. آمارهای جمع‌آوری شده همچنین نشان می‌دهد که در مرحله آزادسازی مصرف سرانه تخم‌مرغ هر فرد شهری با ۳۱ درصد رشد از ۵/۵ کیلوگرم در سال ۱۳۷۱ به ۷/۲ کیلوگرم در سال ۱۳۷۵ و مصرف هر فرد روستایی با ۴۵ درصد رشد از ۳/۸ به ۵/۵ کیلوگرم افزایش یافت. در همین حال روند رشد مصرف فرد روستایی بهتر از فرد شهری بوده است. به عبارت دیگر آزادسازی

۱۸/۵ درصد افزایش به ۸۹/۷ هزار تن رسید.

گزارش‌های مرکز آمار ایران به نقل از سالنامه آماری ۷۲ و ۷۴ و آمار کشتارگاه‌های کشور در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که میزان کشتار دام‌ها (گوسفند و بره، بز و بزغاله، گاو میش و بچه گاو میش، شتر) به طور کلی از ۱۸۹۲۰ هزار رأس به وزن ۵۶۰ هزار تن در سال ۱۳۶۸ به ۲۱۶۵۵ هزار رأس به وزن ۶۸۵ هزار تن (در کشتارگاه‌های صنعتی و به صورت آزاد) افزایش یافته است. و در همین حال سهم کشتارگاه‌های صنعتی در تولید گوشت قرمز از ۶۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۵۱/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

آمارهای دام کشور به نقل از وزارت جهاد سازندگی - معاونت امور دام در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که تعداد گوسفند و بره از ۴۵ میلیون رأس در سال ۱۳۶۸ به ۵۲/۱ میلیون رأس در سال ۱۳۷۶، تعداد بز و بزغاله از ۲۳ میلیون رأس به حدود ۲۵/۸ میلیون رأس، گاو و گوساله بومی از ۶/۲ به حدود ۶۸ میلیون رأس، گاو و گوساله دورگه از ۵۰۰ هزار رأس به ۱۱۷۹ هزار رأس، گاو و گوساله اصیل از ۳۰۰ هزار رأس به ۶۷۶ هزار رأس، گاو میش از ۴۰۰ هزار رأس به ۴۶۵ هزار رأس، شتر از ۱۴۰ هزار رأس به ۱۴۳ هزار رأس و مجموع دام از ۷۵۰/۷ میلیون رأس در سال ۱۳۶۸ به ۸۷/۱ میلیون رأس در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است.

روند افزایشی تعداد دام‌های کشور در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ به طور

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که قیمت تمام شده هر کیلو گوشت گوسفند پرواری از ۲۱۹۱ ریال در سال ۱۳۷۰ به ۹۸۲۹ ریال در سال ۱۳۷۶ و هزینه تولید هر کیلوگرم گوشت گوساله پرواری در همین مدت از ۲۱۶۰ به ۹۱۹۲/۲ ریال افزایش یافته است.

این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کنار افزایش قیمت تمام شده تولید گوشت قرمز، رشد جمعیت و روند آزادسازی قیمت گوشت مرغ از عوامل مؤثر در افزایش تقاضا برای گوشت قرمز و رشد بهای آن بوده است. شاخص بهای عمده فروشی گوشت قرمز از ۱۳۱/۶ ریال در سال ۱۳۷۰ به ۶۴۲/۹ ریال در سال ۱۳۷۶ رسید که نشانگر متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۳۰ درصد طی این دوره زمانی است.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد، توزیع گوشت قرمز توسط شرکت سهامی پشتیبانی امور دام از ۲۲۵۰/۲ هزار تن در سال ۱۳۶۸ با ۱۴ درصد کاهش به ۱۹۳/۴ هزار تن در سال ۱۳۶۹ رسید. در سال ۱۳۷۰ نیز با ۱۹ درصد کاهش نسبت به سال قبل به حدود ۱۵۶۵ هزار تن و در سال ۱۳۷۱ با ۲۷ درصد کاهش به ۱۱۳/۶ هزار تن تقلیل یافت. در سال ۱۳۷۲ توزیع گوشت قرمز با ۴۰ درصد کاهش نسبت به سال ماقبل به حدود ۶۸/۴ هزار تن رسید. و اما در سال ۱۳۷۳ با ۳۱/۵ درصد افزایش به حدود ۸۹/۹ هزار تن بالغ شد. در سال ۱۳۷۴ بار دیگر افت توزیع به میزان ۱۶ درصد به ثبت رسید و به ۷۵/۷ هزار تن بالغ شد. در سال ۱۳۷۵ توزیع گوشت قرمز توسط این شرکت با

فروش و توزیع گوشت و تخم مرغ از سیستم گذشته (توزیع کالابریگی)، افزایش مصرف سرانه آنها در شهر و روستا را سبب شده و الگوی مصرف بهبود قابل توجهی را نشان می‌دهد.

با این حال کارشناسان عقیده دارند که برای جلوگیری از نوسانات شدید قیمت مرغ و تخم مرغ که به الگوی مصرف این کالاها به ویژه از سوی خانوارهای کم درآمد و آسیب پذیر، اثر منفی دارد، راهکارهایی نظیر خرید تضمینی و نگهداری مازاد تولید در فصولی از سال و عرضه آنها موقع بروز کمبود سبب می‌شود که از نوسانات شدید قیمت این محصولات جلوگیری شود و الگوی مصرف آنها به سمت مصرف صحیح هدایت گردد.

تولید و مصرف گوشت قرمز

گوشت قرمز به لحاظ دارا بودن پروتئین بیشتر نسبت به گوشت مرغ، از مزیت برخوردار است و اغلب خانوارهای ایرانی مصرف آن را ترجیح می‌دهند.

بررسی کارشناسان مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نشان می‌دهد که تولید گوشت قرمز در سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ با متوسط رشد سالانه ۲/۸ درصد از ۵۶۰ هزار تن (در سال ۱۳۶۸) به ۷۰۰ هزار تن (در سال ۱۳۷۶) رسید. مصرف سرانه گوشت قرمز در سال ۱۳۷۶ به ۱۱۰/۷۵ کیلوگرم رسید که نسبت به ۱۲/۶۲ کیلوگرم سال ۱۳۶۸ کمتر بود که یکی از علل آن افزایش قیمت گوشت قرمز می‌باشد.

مستمر تداوم یافته که به طور عمده از افزایش شمار گوسفند و بره، گاو و گوساله دورگه و گاو و گوساله اصیل ناشی شده است.

سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) مجموع تعداد دام ایران در سال ۱۹۹۴ میلادی را بالغ بر ۷۶/۴ میلیون رأس اعلام کرد.

بررسی شاخص خودکفایی گوشت قرمز (نسبت تولید به مصرف) نشان می‌دهد که این شاخص در دوره زمانی ۷۶-۱۳۵۴ با نوسان‌های بسیاری مواجه شده و حداقل آن در سال ۱۳۶۲ معادل ۶۶/۴ درصد و حداکثر آن در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۶ به میزان ۹۵/۵ درصد ثبت شده است.

تولید گوشت قرمز در سال ۱۳۵۴ به میزان ۳۵۹ هزار تن و مصرف آن ۴۱۲/۳ هزار تن بود که به این ترتیب شاخص خودکفایی در این سال به ۸۷ درصد رسید. در سال ۱۳۷۶ میزان تولید به ۷۰۰ هزار تن و مصرف به ۷۳۳ هزار تن و در نتیجه شاخص خودکفایی به ۹۵/۵ درصد افزایش یافت.

تولید گوشت قرمز تا سال ۱۳۵۸ کمتر از ۴۰۰ هزار تن در سال بود. در سال‌های ۶۵-۱۳۵۹ به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن در سال رسید و در سال‌های ۷۰-۱۳۶۶ بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن ثبت شد. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ سطح تولید تا ۷۰۰ هزار تن در سال افزایش یافت. اما مصرف گوشت قرمز از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن، در سال ۱۳۶۰ به ۵۴۸ هزار تن و در سال‌های ۶۸-۱۳۶۱ بیش از ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار تن

ثبت شد که در این سال‌ها شاخص خودکفایی بین ۷۰ تا ۸۳ درصد ثبت شده است. در سال ۱۳۶۹ مصرف گوشت قرمز به ۵۹۸ هزار تن رسید، اما در سال‌های ۱۳۷۰ به بعد (به جز سال ۱۳۷۱ که ۶۸۳ هزار تن بود) بیش از ۷۰۰ هزار تن در سال ثبت شده است.

متوسط واردات گوشت قرمز در سال‌های ۵۸-۱۳۵۴ به ۷۲/۶ هزار تن در سال، در سال‌های ۶۷-۱۳۵۹ به ۱۶۵ هزار تن و در سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ به ۷۴/۸ هزار تن رسید. متوسط سرانه سالانه واردات گوشت قرمز در این دوره‌ها به ترتیب ۲۰۶۹، ۳۶۰۱ و ۱۲۸۴ گرم ثبت شد. متوسط رشد واردات در دوره اول ۱۲/۵ درصد و در دوره دوم ۴/۶ درصد بود، اما در دوره سوم ۱۴/۳ درصد تقلیل یافت. متوسط رشد سرانه واردات گوشت قرمز در دوره اول ۸/۵ درصد بود که در دوره دوم به یک درصد رسید و در دوره سوم ۱۱/۳ درصد نسبت به دوره قبل کاهش داشت.

متوسط شاخص خودکفایی در گوشت قرمز از ۸۳/۵ درصد در سال‌های ۵۸-۱۳۵۴ به ۷۴/۲ درصد در سال‌های ۶۷-۱۳۵۹ کاهش یافت، اما در دوره ۷۶-۱۳۶۸ به سطح ۸۹/۵ درصد افزایش یافت.

این بررسی نشان می‌دهد که متوسط سرانه مصرف گوشت قرمز از ۱۲۸۴۶ گرم در دوره اول به ۱۳۹۲۵ گرم در دوره دوم افزایش و سپس به ۱۲۱۵۸ گرم در دوره سوم کاهش یافته است. سرانه مصرف روزانه گوشت قرمز در این دوره‌ها به ترتیب ۳۵/۲، ۳۸/۲ و ۳۳/۳

گرم ثبت شد، اما متوسط رشد مصرف گوشت قرمز به طور کلی در این دوره‌ها به ترتیب ۴/۷، ۳/۷ و ۱/۰۵ درصد بود. به این ترتیب رشد سرانه مصرف سیر نزولی داشته و از ۰/۷ درصد در دوره اول به ۰/۱ درصد در دوره دوم رسیده و در دوره سوم نیز ۰/۸۵ درصد کاهش داشته است. به طوری که متوسط سرانه سالانه پروتئین در این سه دوره به ترتیب به ۲۳۳۳/۵ و ۲۵۵۸، ۲۳۶۰ گرم رسیده و مصرف سرانه روزانه پروتئین از ۶/۴ به ۷ گرم و سپس به ۶/۱ گرم تقلیل یافته است.

به این ترتیب الگوی مصرف گوشت قرمز تحت تأثیر عوامل گوناگون به ویژه قیمت و درآمد خانوارها قرار داشته و در اواخر دوره بررسی با وجود افزایش کل تولید گوشت قرمز، سرانه کسب پروتئین روزانه مردم سیر نزولی داشته است.

تولید و مصرف برنج

برنج از مواد غذایی انرژی‌زای مورد استفاده مردم است. تولید برنج در ایران به ویژه از دهه ۱۳۶۰ به بعد رو به فزونی نهاد. سطح زیرکشت برنج از ۴۲۳ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۶۱۵ هزار هکتار در سال ۱۳۷۷ و میزان تولید آن از ۹۸۱ هزار تن به بیش از ۲/۷ میلیون تن در این دوره زمانی افزایش یافت.

همزمان با افزایش سطح زیر کشت، به لحاظ بهره‌گیری از ارقام پرمحصول، تولید برنج در هکتار از ۲۳۱۹ کیلوگرم در سال ۱۳۶۰ به ۴۵۰۶ کیلوگرم در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت.

صورت گرفته است. به گونه‌ای که در پایان دوره (سال ۱۳۷۸) میزان تولید به ۳/۱ میلیون تن، عملکرد در هکتار به ۵۰۴۳ کیلوگرم و سطح زیرکشت آن می‌بایست به ۶۱۵ هزار هکتار می‌رسید.

طبق اهداف کمی کشت برنج در برنامه دوم سطح زیر کشت در سال ۱۳۷۴ به میزان ۵۸۰ هزار هکتار، در سال ۱۳۷۵ معادل ۵۹۰ هزار هکتار، در سال ۱۳۷۶ برابر با ۶۰۰ هزار هکتار، در سال ۱۳۷۷ به میزان ۶۱۰ هزار هکتار و در سال ۱۳۷۸ معادل ۶۱۵ هزار هکتار برآورد شده بود. آمارهای وزارت کشاورزی نشان می‌دهد که سطح زیرکشت از ۵۶۶ هزار هکتار در سال ۱۳۷۴ به ۶۱۵ هزار هکتار در سال ۱۳۷۷ رسیده است. در همین حال عملکرد در هکتار طی این سال‌ها می‌بایست از ۴۲۰۳ کیلوگرم به ۴۴۰۰ کیلوگرم در سال ۱۳۷۵، ۴۶۲۰ کیلوگرم در سال ۱۳۷۶، ۴۸۴۰ کیلوگرم در سال ۱۳۷۷ و ۵۰۴۳ کیلوگرم در سال ۱۳۷۸ افزایش یابد که آمار وزارت کشاورزی حاکی از آن است که عملکرد در هکتار برنج از ۴۰۶۸ کیلوگرم در سال ۱۳۷۴ به ۴۴۷۲ کیلوگرم در سال ۱۳۷۵ و سپس به ۴۱۷۳ کیلوگرم در سال ۱۳۷۶ و ۴۵۰۶ کیلوگرم در سال ۱۳۷۷ رسیده است که ارقام مورد پیش‌بینی در برنامه کمتر است. تولید برنج نیز در برنامه دوم به ترتیب ۲۴۳۸، ۲۵۹۶، ۲۷۷۲، ۲۹۵۲ و ۳۱۰۲ هزار تن برآورد شده است.

عواملی نظیر خشکسالی، افزایش واردات و کاهش تمایل کشاورزان به کشت و ... در این امر دخیل بوده است.

میانگین قیمت تضمینی برنج از ۳۵۰ ریال در سال ۱۳۶۹ به ۱۲۰۰ ریال در سال ۱۳۷۶ و سپس به ۱۴۹۲ ریال در سال ۱۳۷۷ و ۱۶۷۱/۳ ریال در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. نرخ رشد قیمت تضمینی برنج از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ به ترتیب ۱۲/۵، ۱۹/۲، ۲۵/۸، ۱۳، ۶، ۱۹/۵، ۱۵/۴، ۲۴/۳ و ۱۲ درصد افزایش داشته است. اجرای سیاست قیمت تضمینی برنج از سال ۱۳۵۹ آغاز شد و همچنان تداوم دارد.

در همین حال واردات برنج از چهل کشور جهان در سال‌های ۷۹-۱۳۶۰ به منظور تأمین کمبود عرضه برنج داخلی صورت گرفته است. واردات برنج از ۴۳۲ هزار تن در سال ۱۳۶۱ به ۸۸۲ هزار تن در سال ۱۳۶۸ رسید که بیش از دو برابر شد. در دوره زمانی ۷۶-۱۳۶۹ واردات برنج از ۷۹۴ هزار تن به ۶۳۷/۵ هزار تن رسید. طی این دوره زمانی حداکثر واردات برنج در سال ۱۳۷۵ به میزان ۹۱۵/۲ هزار تن ثبت شد.

در سال ۱۳۷۷ واردات برنج به ۶۳/۳ هزار تن تقلیل یافت، اما در سال ۱۳۷۸ این رقم به یک میلیون و ۲۱۱/۸ هزار تن و در سال ۱۳۷۹ در سطح مصوب ۸۰۰ هزار تن بود.

مقایسه میزان واردات و تولید داخلی نشان می‌دهد که در سال‌هایی که حجم تولید برنج کاهش داشته است، دولت از طریق واردات میزان کاهش تولید را جبران نموده است.

بررسی وضعیت تولید برنج در برنامه دوم نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای افزایش کشت برنج با رشد ۵/۶ درصد

تولید برنج در سال‌های ۷۷-۱۳۶۰ جز در سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۶۷، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ همواره با افزایش سطح زیرکشت و افزایش تولید (به ویژه بازده در هکتار) مواجه بوده است.

دولت به منظور حمایت از تولید برنج قبل از فصل کاشت، هر سال قیمت تضمینی انواع برنج را بر اساس مصوبه شورای اقتصاد تعیین و اعلام می‌کند. اجرای سیاست قیمت تضمینی با اهداف استفاده از مکانیزم قیمت برای افزایش تولید، ایجاد رابطه منطقی بین قیمت برنج با سایر کالاهای مورد نیاز کشاورزان، جلوگیری از زیان تولیدکنندگان و تأمین هزینه‌های تولید و نیز گسترش سطح زیرکشت و افزایش تولید ارقام پرمحصول انجام می‌شود.

گزارش بررسی‌های آماری وزارت کشاورزی نشان می‌دهد که بهای تضمینی هر کیلوگرم برنج خزر و مازندران از ۴۰۰ ریال در سال ۱۳۶۹ به ۱۴۰۰ ریال در سال ۱۳۷۶ و سپس به ۱۷۴۰ ریال در سال ۱۳۷۷ و ۱۹۴۹ ریال در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت.

قیمت تضمینی برنج برنج سپردود و طارم عسگری از ۷۱۵ ریال در سال ۱۳۷۲ به ۱۲۵۰ ریال در سال ۱۳۷۶ و سپس به ۱۵۵۵ ریال در سال ۱۳۷۷ و ۱۷۴۲ ریال در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است.

بهای خرید تضمینی برنج آمل ۲۰۱ و ۳ از ۳۰۰ ریال در سال ۱۳۶۹ به ۹۵۰ ریال در سال ۱۳۷۶ و سپس به ۱۱۸۱ ریال در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۲۳ ریال در سال ۱۳۷۸ ترقی کرد. به این ترتیب

چنانچه ارقام تولید و واردات هر سال را در مجموع مساری با میزان مصرف در نظر بگیریم، آنگاه مشخص می‌شود که شاخص خودکفایی در تولید برنج از ۷۸/۷ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۶۱/۶ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است.

در دورهٔ زمانی ۷۶-۱۳۶۸ شاخص خودکفایی از حدود ۷۰ درصد به حدود ۸۰ درصد افزایش یافت. این شاخص در سال ۱۳۷۷ به ۱۰۰ درصد نزدیک شد. اما واردات کلان برنج در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ (به ترتیب بیش از یک میلیون تن و ۸۰۰ هزار تن) حاکی از افت شاخص خودکفایی به حدود ۷۰ درصد است.

به عقیده کارشناسان، تلاش برای افزایش تولید برنج به منظور تحصیل خودکفایی بیشتر در این محصول به لحاظ علاقه مردم به استفاده از این ماده غذایی، ضرورت دارد.

تولید و واردات گندم

نان غذای اصلی مردم است و گندم از محصولات راهبردی است که ارتقای خودکفایی در تولید آن نه تنها از جنبه اقتصادی، بلکه به لحاظ سیاسی حایز اهمیت است. تأمین نان مردم نخستین وظیفه دولت قلمداد می‌شود و به همین جهت همواره پرداخت یارانه به گندم برای ارابه نان ارزان به مردم از حدود پنجاه سال پیش در ایران متداول بوده است. در نخستین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با محور توسعه کشاورزی، خودکفایی در تولید اقلام اساسی به ویژه گندم مد نظر دولت و برنامه‌ریزان بوده است، اگرچه هنوز این هدف محقق نشده است.

بررسی آمارهای ارایه شده از سوی اداره کل آمار و اطلاعات وزارت کشاورزی (سابق) نشان می‌دهد که سطح زیر کشت گندم آبی در ایران در سال ۱۳۶۰ به میزان ۱۷۷۸ هزار هکتار و تولید آن ۳۰۱۳ هزار تن و سطح زیر کشت گندم دیم ۴۴۹۰ هزار هکتار و تولید آن ۲۶۴۰ هزار تن و در مجموع سطح زیر کشت گندم کشور ۶۲۶۸ هزار هکتار و تولید کل ۵۶۵۲ هزار تن بوده است. به این ترتیب عملکرد در هکتار گندم آبی ۱۶۹۵ کیلوگرم و دیمی ۵۸۸ کیلوگرم ثبت شده است. در سال ۱۳۶۷ مجموع سطح زیرکشت گندم کشور به ۶۵۵۲ هزار هکتار (شامل ۲۰۱۷ هزار هکتار آبی و ۴۵۳۵ هزار هکتار دیم) و مجموع تولید گندم کشور به ۷۲۶۵ هزار تن (شامل ۴۰۵۰ هزار تن گندم آبی و ۳۲۱۵ هزار تن گندم دیم) رسید. در همین سال عملکرد در هکتار گندم آبی به ۲۰۰۸ کیلوگرم و دیم به ۷۰۹ کیلوگرم رسید. این ارقام نسبت به عملکرد سال ۱۳۶۰ از نظر سطح زیر کشت، میزان تولید و بازده تولید در هکتار افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد. سطح زیر کشت گندم در کشور در سال ۱۳۶۸ (اعم از آبی و دیم) به ۶۲۵۷ هزار هکتار رسید و تولید آن به ۶۰۱۰ هزار تن بالغ شد. با وجود کاهش جزئی در میزان سطح زیر کشت (به ویژه کشت دیم) به لحاظ افت شدید بازده گندم دیم (از ۷۰۹ کیلوگرم در هکتار در سال ۱۳۶۷ به ۴۴۲ کیلوگرم در سال ۱۳۶۸)، مجموع تولید بیش از یک میلیون تن کاهش داشت.

ارقام مربوط به تولید گندم در سال ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که مجموع سطح زیر کشت گندم در ایران به ۶۲۹۹ هزار

هکتار، مجموع تولید به ۱۰۰۴۵ هزار تن و عملکرد در هکتار گندم آبی به ۳۱۴۶ کیلوگرم و گندم دیم به ۷۲۱ کیلوگرم ارتقاء یافته است. با وجود آنکه سطح زیر کشت گندم نسبت به سال ۱۳۶۸ تفاوت چندانی ندارد، اما به لحاظ افزایش بازده در هکتار، مجموع تولید نزدیک به ۴ میلیون تن افزایش نشان می‌دهد.

این آمارها همچنین نشان می‌دهد که سطح زیر کشت گندم کشور در سال ۱۳۷۷ به ۶۱۸۰ هزار هکتار و کل تولید به ۱۱۹۵۵ هزار تن بالغ شده است.

گندم از محصولاتی است که قیمت تضمینی برای آن تعیین می‌شود و مازاد تولید آن هر ساله از کشاورزان خریداری می‌گردد. بررسی قیمت خرده‌فروشی و متوسط قیمت خرید گندم از کشاورزان در سال‌های ۷۵-۱۳۷۱ نشان می‌دهد که قیمت خرده‌فروشی گندم از هر کیلوگرم ۴ ریال در سال ۱۳۷۱ به ۵۱۰۶ ریال در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. در همین زمان متوسط قیمت خرید از کشاورزان از ۱۴۹۰۱ ریال در سال ۱۳۷۱ به ۴۱۲ ریال در سال ۱۳۷۵ ترقی کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، گندم خریداری شده سرخرمن در مسیر رسیدن به خرده‌فروش به طور متوسط ۱۸۵ درصد افزایش قیمت دارد که شامل هزینه‌های حمل و نقل، انبار و ... می‌باشد. قیمت خرده‌فروشی در طی دوره مورد بررسی به طور متوسط ۲۲۷ درصد رشد داشته که ۴۰۲ درصد بیش از رشد قیمت‌های خرید تضمینی گندم بوده که ممکن است از افزایش هزینه‌های جانبی ناشی شده باشد. این هزینه‌ها عبارتند از هزینه جمع‌آوری و استهلاک گونی، برزنت، نخ و ... توزیع و

کیلوگرم در دوره (۷۳-۱۳۶۸) افزایش یافت. با این وصف به نظر می‌رسد که طرح محوری گندم به رشد تولید و عملکرد در هکتار مؤثر بوده، اما نه به اندازه‌ای که در طرح پیش‌بینی شده بود (به میزان ۳۲۰۰ کیلوگرم در هکتار).

این بررسی همچنین نشان می‌دهد که افزایش تولید گندم در کشت آبی با در نظر گرفتن ظرفیت‌های خالی همراه بوده است، زیرا عملکرد کشت آبی در سال ۱۳۶۶ در سطح بسیار پایین ۱۹۶۴ کیلوگرم در هکتار قرار داشت و این افزایش حاصل افزایش بهره‌گیری از کود، سم و حتی آب است و این ظرفیت حتی به ۳۵۰۰ کیلوگرم در هکتار (بالاترین عملکرد متوسط در قاره آسیا) قابل افزایش است.

در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور افزایش سطح زیر کشت چندان مورد نظر نبود و قرار بود سطح زیر کشت از ۲۳۹۵ هزار هکتار در سال پایه به سطح ۲/۴ میلیون هکتار در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ برسد و ثابت باقی بماند. اما هدف افزایش تولید بر اثر افزایش عملکرد در هکتار مدنظر بود. طبق این برنامه تولید گندم از حدود ۷/۸ میلیون تن در سال ۱۳۷۴ می‌بایست به بیش از ۱۰ میلیون تن در سال ۱۳۷۸ برسد که از افزایش عملکرد در هکتار از سطح ۳۲۳۷ کیلوگرم در سال ۱۳۷۴ به ۴۲۰۰ کیلوگرم در سال ۱۳۷۸ ناشی گردد و بدین وسیله تولید گندم سالانه ۶/۴ درصد افزایش یابد.

آمار عملکرد برنامه دوم در زمینه تولید گندم نشان می‌دهد که سطح زیر کشت

آمارهای عملکرد فروش گندم در سال‌های ۷۸-۱۳۷۵ تغییرات مختلفی را نشان می‌دهد. در این دوره زمانی تولید گندم به ترتیب ۱۰، ۱۰/۰۴، ۱۱/۹۶ و ۸/۶۷ میلیون تن گزارش شده، اما میزان فروش گندم به دولت به ترتیب ۴/۴، ۶/۴، ۶/۹ و ۴/۱ میلیون تن ثبت شده است. این بررسی نشان می‌دهد که در سال‌های ۷۸-۱۳۷۱ هر ساله کمتر از نیمی از گندم تولید شده در کشور به دولت فروخته شده است.

گزارش وزارت کشاورزی (سابق) نشان می‌دهد که بررسی سهم گندم خریداری شده توسط دولت از کل تولیدات گندم نه تنها افزایش میزان خرید دولت را نشان می‌دهد، بلکه سهم گندم خریداری شده توسط دولت نیز افزایش یافته است. یعنی نه تنها خرید دولت از لحاظ کمی افزایش داشته بلکه سهم آن از کل تولید نیز طی دوره مورد بررسی زیادتر شده تا جایی که در سال ۱۳۷۷ به ۵۵/۲ درصد رسیده است. به این مفهوم که سیاست دولت مبنی بر حمایت تولید گندم بوده و به مرور سهم بیشتری از تولیدات گندم را خریداری کرده است. اما سهم دولت در سال ۱۳۷۸ همزمان با کاهش ۲۷/۵ درصدی تولید گندم نسبت به سال ۱۳۷ به سطح ۴۷/۳ درصد تنزل یافته است.

دولت در برنامه اول توسعه، طرح افزایش عملکرد گندم آبی را دنبال کرد. بررسی‌های آماری در خصوص نتایج طرح نشان می‌دهد که رشد تولید در سال‌های قبل از اجرای طرح (۶۷-۱۳۶۱) به طور متوسط ۳/۷ درصد بود، اما در دوره اجرای طرح (۷۳-۱۳۶۸) به ۲۵۰۷

کیسه‌گیری، پلمپ‌زنی و کارمزد مراکز خرید روستایی، کرایه حمل از مراکز خرید روستایی تا سیلوها، تخلیه و هزینه باربری در سیلوها، کرایه حمل از سیلوی مراکز تولید به سیلوهای مراکز مصرف و توزیع و هزینه بوجاری در سیلوهای مراکز مصرف باشد.

با وجود آنکه بررسی روند افزایش قیمت تضمینی محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که افزایش قیمت تضمینی گندم نسبت به دیگر محصولات کمتر بوده است. با این حال میزان فروش گندم مازاد بر مصرف کشاورزان به دولت در سال‌های ۷۸-۱۳۶۱ سیر صعودی نشان می‌دهد.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی وزارت کشاورزی از ۶/۷ میلیون تن گندم تولید شده در کشور در سال ۱۳۶۱ فقط یک میلیون تن آن به دولت فروخته شد که این میزان در سال ۱۳۶۵ به ۲/۳ میلیون تن از کل تولید ۷/۶ میلیون تنی این سال افزایش یافت. در سال ۱۳۶۶ از ۷۶ میلیون تن گندم تولید شده، فقط ۱۳ میلیون تن آن و در سال ۱۳۶۷ از ۷۳ میلیون تن گندم تولیدی، ۱۰۸ میلیون تن آن به دولت فروخته شد. فروش گندم به دولت در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ سیر صعودی داشت. از ۶ میلیون تن گندم تولیدی در سال ۱۳۶۸ فقط یک میلیون تن به دولت فروخته شد. ارقام تولید در سال‌های ۷۴-۱۳۶۹ به ترتیب ۸، ۸، ۸، ۱۰، ۱۰، ۱۰، ۱۰، ۱۰، ۱۱، ۱۱، ۱۱ میلیون تن بود.

در همین دوره زمانی فروش گندم به دولت به ترتیب ۲/۴، ۳/۲، ۴/۱، ۵/۲، ۵/۵ و ۵/۹ میلیون تن ثبت شده است.

گندم از ۲۲۹۲ هزار هکتار در سال ۱۳۷۴ به ۲۲۵۳/۸ هزار هکتار در سال ۱۳۷۸ تنزل یافته و کل تولید از ۷ میلیون تن به ۷/۲ میلیون تن ترقی کرده است. عملکرد در هکتار از ۳/۱ تن در سال ۱۳۷۴ حداکثر به ۳/۴ تن در سال ۱۳۷۷ و سپس به ۳/۲ تن در هکتار در سال ۱۳۷۸ رسید.

در خصوص تولید گندم دیم نیز طبق برنامه دوم قرار بود سطح زیر کشت از ۴۰۲۲ هزار هکتار در سال ۱۳۷۴ به ۳۸۵۰ هزار هکتار در سال ۱۳۷۸ تنزل یابد. اما کل تولید از ۳۶۱۲ هزار تن به ۴۲۳۵ هزار تن افزایش پیدا کند که از رشد عملکرد در هکتار در این دوره زمانی از ۸۹۸ به ۱۱۰۰ کیلوگرم در هکتار ناشی شود. عملکرد برنامه دوم در این خصوص نشان می‌دهد که سطح زیر کشت از ۴۲۷۶ هزار هکتار در سال ۱۳۷۴ به ۴۸۸۵/۲ هزار هکتار در سال ۱۳۷۸ تنزل یافته و میزان تولید در این دوره از ۴۱۳۳ هزار تن به ۴۷۲۲/۶ هزار تن کاهش یافته است. عملکرد در هکتار گندم دیم در همین دوره از ۰/۹۷ تن به ۰/۵۹ تن در هکتار کاهش یافت. به عبارت دیگر در بخش گندم دیم عملکرد دوره به مراتب کمتر از پیش‌بینی‌های برنامه دوم بود.

دستیابی به امنیت غذایی که نه تنها متکی به تولید داخلی نمی‌باشد، بررسی وضعیت واردات اقلام غذایی به ویژه گندم را اجباری می‌سازد. با توجه به افزایش جمعیت کشور، تغییرات سطح درآمدی گروه‌های مختلف مردم، کاهش قدرت خرید و رشد ناکافی تولید، واردات گندم در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است.

طبق گزارش وزارت بازرگانی و گمرک جمهوری اسلامی ایران، واردات گندم از ۱/۸ میلیون تن در سال ۱۳۶۱ به ۲/۸ میلیون تن در سال ۱۳۶۷ افزایش یافت. در دوره زمانی ۷۶-۱۳۶۸ با توجه به میزان تولید داخلی، حجم واردات متفاوت بود و از ۵/۵ میلیون تن در سال ۱۳۶۸ به حداقل ۲/۳ میلیون تن در سال ۱۳۷۳ رسید و سپس سیر صعودی داشت و در سال ۱۳۷۶ به حداکثر ۵/۹ میلیون تن در این دوره رسید.

واردات گندم ایران در سال ۱۳۷۷ به میزان ۳/۵ میلیون تن و در سال ۱۳۷۸ معادل ۶/۲ میلیون تن بود. به عبارت دیگر در برنامه اول واردات گندم سیر نزولی و در برنامه دوم سیر صعودی داشت.

جمع واردات و تولید داخلی که برابر با مصرف گندم در کشور است از ۸۲۶۶ هزار تن در سال ۱۳۶۱ به ۹۱۷۱ هزار تن در سال ۱۳۶۷ رسید. در سال‌های ۷۳-۱۳۶۸ (برنامه اول) مصرف داخلی گندم از ۱۰۹۸۱ هزار تن به ۱۲۰۲۳ هزار تن افزایش یافت. در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ مصرف داخلی به ترتیب ۱۲۵۴۳ و ۱۳۵۶۴ هزار تن بود. این ارقام در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ به ترتیب ۱۵۹۴۵ و ۱۵۴۴۵ هزار تن برآورد شده است.

شاخص خودکفایی (نسبت تولید داخلی به مصرف) نشان می‌دهد که این شاخص از سطح ۸۱/۷ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۷۹/۲ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. شاخص مذکور در سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ از ۵۵/۶ درصد به ۶۰/۳ درصد رسیده است که وضعیت

نامطلوب‌تری را نسبت به دوره گذشته نشان می‌دهد. (در سال ۱۳۷۳ که پایان برنامه اول بود، شاخص خودکفایی در سطح ۹۰ درصد قرار داشت.)

شاخص خودکفایی در سال ۱۳۷۷ به حدود ۷۵ رسید رسید. اشاره به این نکته ضروری است که دولت به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان میزان اعطای یارانه به گندم را از سال ۱۳۷۱ به سرعت افزایش داد. یارانه پرداختی به گندم از ۵۱۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ به ۱۱۵۴/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ و سپس به ۲۰۹۵/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت.

پرداخت یارانه گندم در برنامه دوم از ۲۸۸۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ به ۵۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت. در سال ۱۳۷۹ نیز یارانه پرداختی به گندم به ۶۴۵۰ میلیارد ریال رسید که ۸۰/۴ درصد یارانه‌های پرداختی دولت را به خود اختصاص داد. سهم یارانه گندم در مجموع یارانه‌های پرداختی دولت در برنامه دوم از ۵۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۷۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت. در حالی که در برنامه اول این سهم از ۲۷/۷ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۵۶/۹ درصد در سال ۱۳۷۳ رسیده بود.

بررسی‌های انجام شده در خصوص تولید و مصرف مواد غذایی اساسی از جمله گوشت مرغ و تخم مرغ، گوشت قرمز، برنج و گندم نشان می‌دهد که میزان دستیابی به خودکفایی در تولید در بخش دامپروری و صنعت طیور بیش از کشاورزی (اقلام زراعی) تحقق یافته است.